

نغمه گل سرخ

من گل سرخم گل سرخ معطر  
در دلم جوشید دلدار آستانه  
خند ریزی غنچه بودم  
با سگوه نرم زناز دخترانه  
در حریر بازوان مادرم  
آلوده فغتم ...

هیچکس از جوانی  
روزی سرخ شد فرزندان  
چون گل آتش سگفتم  
ست عطر خود شدم  
سرساز از شور جوانی  
دگر در پیش جسم جلوه گر شد  
روم از راز بزرگی با خبر شد  
در دلم جوشید عشق آستانه  
خویشم بر کن مریبند شود دست بودم  
خویشم زیبا شدم بخشد به دلها سادمانی  
آفتاب گرم روشن زد پس بودم بروم  
گردن رقصید ز شور طلائع  
برینده خوانند در گوشم نوای عاشقانه  
شد صحن لبریز از عشق درانه ...

ای نیم صدم!

بگو پیام  
چون شوم روزی در آغوش تو پر  
عطر غنچه را به آن گل ده

که روید سال دیگر ...

x + x

بهارستانه استغذیه  
۱۳۴۹